



علی اکبر الگوی شجاعت و سخاوت/ نگاهی به سه دوره زندگی حضرت علی اکبر(ع)

حضرت علی اکبر (ع) فرزند شجاعات و سخاوت است، چرا که کسی که در دامان پیشگامان سخا و بخشش بزرگ شده باشد ...

حضرت علی اکبر (ع) فرزند شجاعات و سخاوت است، چرا که کسی که در دامان پیشگامان سخا و بخشش بزرگ شده باشد مسلماً این خصوصیت نیک را نیز را از آنان به ارث می برد. یکی از مواردی که عظمت وجودی حضرت علی اکبر را می رساند جمله معروفی است که حضرت اباعبدالله (ع) هنگام رسیدن بر سرنخش جوانش فرموده و آن جمله این است: "پس از تو خاک برسر دنیا" بنابر روایتی حضرت علی اکبر(ع) در یازدهم شعبان سال 33 هجری قمری، دو سال قبل از کشته شدن (خلیفه سوم) عثمان چشم به جهان گشود. پیرامون ولادت حضرت علی اکبر تاریخ دقیق و روشنی که ما را به مدت عمر آن حضرت راهنمایی نماید و یا اینکه سن و سال آن جناب را کاملاً مشخص کند، وجود ندارد.

حضرت علی اکبر از طرف پدر به خاندان وحی متصل بوده، جده والامقامش حضرت فاطمه زهرا است. در صولت و شکوه و صلابت همانند امیرالمومنین علی (ع) و در رعنائی و زیبایی و خوش سیمایی و خلق والا، همچون نبی گرامی اسلام است.

مادر آن جناب، لیلا دختر ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است. او فرزند امام سوم شیعیان یعنی حضرت اباعبدالله الحسین، سیدالشهدا است. وی از نوادگان مولی الموحدين، امیرالمومنین، علی و حضرت فاطمه زهرا دختر بنی گواهی اسلام، محمد مصطفی است. اگر بخواهیم از دیدگاه مکتب شیعه، علی اکبر را توصیف نماییم. علاوه بر تمام مزایا و مناقب فوق، از شهدای کربلاست که شجاعانه برای دفاع از دین جدش رسول الله جنگید و به شهادت رسید. اما از نظر فضایل حضرت علی اکبر به پیامبر اسلام شباهت دارد. حضرت علی اکبر دارای فضایی خاص است را او از سایر اولاد ائمه جدا نموده است.

آن حضرت در دامان پدر بزرگوارش حضرت حسین بن علی و عموی مظلومش حضرت امام حسن مجتبی (ع) بزرگ شده است. یکی از مواردی که عظمت وجودی حضرت علی اکبر را می رساند و در واقع از فضایل منحصر به فرد آن حضرت است جمله معروفی است که حضرت اباعبدالله هنگام رسیدن بر سرنخش جوانش فرموده است و آن جمله این است: "پس از تو خاک برسر دنیا".

حضرت علی اکبر (ع) فرزند شجاعات است. او فرزند حسین بن علی است. کسی که در دامان پیشگامان سخا و بخشش بزرگ شده باشد. مسلماً این خصوصیت نیک را نیز را از آنان به ارث بوده است. در تاریخ زندگانی حضرت علی اکبر وارد شده است که آن حضرت در مدینه منزلی داشت و سالن غذا خوری را مخصوص مهمانان ایجاد کرده بود که در خانه اش به روی همه باز بود.

حضرت علی اکبر تمام خصوصیات جسمی و زیبایی صورت را از جدش به ارث برده بود. حضرت علی اکبر دوران جوانی و زندگانی کوتاه خود را در متن حوادثی سپری نمود که هر یک از آن حوادث به نوبه خود در تاریخ اسلام، ماندگار شدند. حوادث تلخی، که شنیدن و گفتن آن بسیار آزاردهنده است.

دوران عمر حضرت علی اکبر را از جنبه حوادث سیاسی می توان به سه دوره کلی تقسیم کرد. دوره ی اول مصادف با حیات و زندگی جد بزرگوارش، امیرالمومنین است. ایشان در این مقطع بین 6 تا 7 سال داشته و شاهد ماجرای شهادت امام علی (ع) بوده است. در واقع از همان دوران کودکی، شاهد وقایع و حوادث روزگار خود بود. از زمان خرد سالی، با فتنه ها و حيله های حکومت شوم و نکبت بار بنی

امیه آشنا شد و با شعار ضد دینی و ضد توحیدی قوم بنی امیه، واقف بود. ایشان در زند جد بزرگوارشان در دوران کودکی تعلیم قرآن و حدیث می دیده تا به مردم زمان خود منتقل کند.

دوره دوم عمر آن حضرت، مصادف با جریانات سیاسی و حوادثی بود که عموی بزرگوارش امام حسن با آن دست به گریبان بودند. همیاری و همراهی او با عمویش امام مجتبی به حدی بوده که اگر جریانی مشابه قضیه کربلا، برای عمویش رخ می داد او همانند جانفشانی و ایثارگری که در کربلا نشان داد، برای عموی عزیزش انجام می داد.

اما دوره سوم در آن دوره، علی اکبر همچون خورشیدی تابان درخشید دوران امامت امام حسین بود. او در این مرحله به عنوان وزیر و بازوی پدر خود انجام وظیفه می نمود. تا جایی که بسیاری گمان می نمودند که امام و خلیفه بعد از امام حسین، فرزند بزرگتر او یعنی علی اکبر است. لیاقت و عظمت وجودی او در این مرحله، آنقدر آشکار بود که معاویه، تنها او را لایق حکومت و رهبر امت اسلامی می پنداشت.

حضرت علی اکبر با مردم ارتباط نزدیک و معاشرت نیکویی داشت. با آنان مهربان و گشاده رو بود به آنانی که محتاج و مستمند بودند کمک و یاری می نمود او یقیناً این ارتباط و مردمداری را از جد مکرمش نبی اسلام به ارث برده است.

رهانیدن مردمی که به مکتب مادی بنی امیه گرفتار شده بودند اقتضاء می کرد تا جریانی همچون جریان کربلا رخ دهد تا در ضمن آن عده ای از بهترین انسانها که هر کدام به نوبه خود خورشیدی عالمتاب در آسمان انسانیت بودند، جدا شده و با وجود پاک خویش ارزشهای ماوراء مادی را به انسانها برگردانیده و اجتماع دینی را از چنگال تربیت یافتگان فرهنگ بیگانه، نجات دهند. که حضور چهره ی جوانی همچون علی اکبر و سایر جوانان پاک که در حادثه کربلا جان خود را از دست دادند. در راستای همین آرمان و هدف الهی بود.